

325 (a)

79



325 = 79.

A



الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين ولا صلوة ولا سلام

محمد نبي الله صلى الله عليه وآله وسلم وآله وصحبه وسلم

على رسوله محمد وآله اجمعين عسى ان العبد مبتلى من

بر رسول او كنام او محمد ويزمجه آل او بدان كه البته بنده آرزوده شده است در ميان

ان يطيع الله تعالى في ثياب ودين ان يعصيه في عاقب

ايضا اطاعت كنه خدا را پس ثواب داده شود در ميان اينكه عصيان كنه خدا را بر عقال كرده شود

والابتلاء يتعلق بالمشروع وغير مشروع فعلا وترك

يعني از مودن تعلق دارد با مباح و با منكر از مودن كردن و ترك كردن

فلا بد من بيان انواع المشروعات وغير المشروعات

پس بايد است از بيان كردن مشروعات وغير مشروعات

وبيان معانيها واحكامها ليس سهل على الطالب فيها و

در بيان معاني مشروعات و غير مشروعات و احكام اين دو تا كه آسان شود بر طالب در با حق ان

وضبطها فنقول وبالله التوفيق الم شروع اربعة

و یاد کردن آن بس بگویم مادام آنکه باشد قالی است توفیق دادن شروع و دعای چهارم

النواع فرض و واجب و سنت و مستحب و یسرها

نوعت فرض و واجب و سنت و مستحب و یسرها و یسرها و یسرها

المباح و غیر مشروع و نوعان محرم و مکروه و

مباح و غیر مشروع دو نوعت حرام و مکروه است

تیلوهما المفید للعمل مشروع و فیہ فاکل ثمانیة

و مباح میشود باین دو مقدم عمل مشروع و غیر مشروع است

النواع اما الفرض فثابت بدلیل قطعی لاشبهته

نوعت اما فرض پس آن چیز است که ثابت شده است بدلیل قطعی مثبت شبهه

فیہ و حکمہ الثواب بالفعل والعقاب بالترک

در این دلیل و حکم فرض ثواب است بسبب کردن و عقاب است بسبب ترک کردن

بلا عذر و الکفر بالانکار فی المتفق علیه الوجوب

بلا عذر و کفر است بسبب انکار کردن در فرض متفق علیه و واجب

ما ثبت بدلیل ظنی فیہ شبهة و حکمہ حکم

آن است که ثابت شده است بدلیل ظنی که در فرض دلیل شبهه است و حکم واجب حکم

الفرض عملاً لا اعتقاداً حتی لا یکفر جاحده و اشبهته

فرض است از روی عمل نه از روی اعتقاد تا آنکه کار نمیشود و منکر شونده واجب است

ما و اطب البتی علیه السلام مع ترکه مره او

آن است که مره او است بخود بی علیه السلام با ترک آن چیز یکبار یا

مرتين و حکمہ الثواب بالفعل والعقاب بالترک

دو بار و حکم سنت ثواب است بسبب کردن و عقاب است بسبب ترک کردن

فی الهدی والمستحق ما فعله النبي عليه السلام مرة

در سنت موکده و مسحت آن چیز است که او را می عده سلام کبیر

وترکه آخری و ما اجته السلف و حکمہ الثواب بالفعل

ترک کرد او را بار دیگر و آنچه درست داشته است او را سلف و حکم او ثواب است بسبب کردن

و عدم العقاب بالترک و المباح ما نخب العبد

و عدم عقاب است بسبب ترک کردن و مباح آنچه نیست که بجز گذاشته شدت بندگی

بین الاتیان و الترتک و حکمہ عدم الثواب العقاب

میان آوردن و میان ترک کردن و حکم مباح عدم ثواب است و عدم عقاب است

فعلاً و ترکاً و المحرم ما ثبت النبی فیہ بالمعارض

از روی کردن و ترک کردن و محرم آنچه نیست که ثابت شدت نبی در روی بالمعارض

و حکمہ الثواب بالترک تعدد زوجة و العقاب

و حکم حرام ثواب است بسبب ترک کردن برای خدای غالب و عقاب است

بالفعل و الکفر بالاستحلال فی المتفق علیه

بسبب کردن و کفر است بسبب حلال شمردن در حرام مشفق علیه

و المکره ما ثبت النبی فیہ مع المعارض و حکمہ

و مکروه آن چیز است که ثابت شدت نبی در او بالمعارض و حکم مکروه

الثواب بالترک الموصوف و خوف العقاب

ثواب است بر آن کردن که صفت کرده شده است و خوف عذاب است

بالفعل و عدم الکفر بالاستحلال و الفساد و النقص

بکردن و عدم کفر است بحلال شمردن و فساد عمل است که شکست است

للعمل المشروع و حکمہ العقاب بالفعل عمداً و

برای عملیکه مشروع بوده شد در آن و حکم عقاب است بسبب کردن از روی قصد